

بررسی زبان زنانه و مردانه در رمان شب های تهران از منظر دستور زبان

یدالله بهمنی مطلق^۱، بهزاد مروی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۴/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۱۶

چکیده

بسیاری از پژوهش‌هایی که در حوزه زبان و جنسیت انجام شده است، نشان می‌دهد بین زبان و نوشتار زنانه و زبان و نوشتار مردانه اختلافات زیادی وجود دارد. یکی از اولین و جامع‌ترین پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده متعلق به رابین لیکاف (۱۹۷۵)، زبان‌شناس مشهور آمریکایی است. هدف این مقاله به روش توصیفی تحلیلی، مقایسه زبان کاراکترهای مرد و زن رمان شب‌های تهران نوشته غزاله علیزاده براساس نظریات لیکاف و سایر زبان‌شناسان اجتماعی از منظر دستور زبان است تا اولاً موفقیت نویسنده در ایجاد زبانی متناسب با کلیشه‌های زبانی کاراکترهای مرد و زن و ثانیاً تأثیر جنسیت نویسنده در زبان کاراکترهای رمان، مورد ارزیابی قرار گیرد. برای این منظور زبان داستان در حیطه دستور زبان براساس متغیرهای زیر مورد بررسی قرار گرفت، در سطح واژگان: دشواژه‌ها، سوگندواژه‌ها، تشدیدکننده‌ها، رنگواژه‌ها و در سطح جملات: پرسش‌های ضمیمه‌ای، تعدیل‌کننده‌ها و تصدیق‌گرها. یافته‌ها نشان می‌دهد نویسنده توانسته است از بسیاری جهات، زبانی متناسب با کلیشه‌های زبانی کاراکترها ایجاد کند، همچنین ثابت شد، زبان رمان متأثر از جنسیت نویسنده است و کلیشه‌های زبان زنانه با فراوانی بیشتری تکرار شده است. در پاره‌ای از موارد هم که بین زبان و جنسیت کاراکترها، به ویژه کاراکترهای زن تناسبی دیده نمی‌شود، بیشتر به دلیل روحیات فمینیستی نویسنده و تعمد اوست که خواسته است زنان را در برابر سلطه‌گری جامعه مردسالار حاکم، فراهنجا نشان دهد.

کلید واژگان: غزاله علیزاده، شب‌های تهران، زبان زنانه، زبان مردانه، لیکاف.

y_bahmani43m@yahoo.com

^۱ دکترای زبان و ادبیات فارسی، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.

bmarvu907@yahoo.com

^۲ کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.

۱. مقدمه

همراه با رشد و گسترش شاخه‌های مختلف زبان‌شناسی و افزایش شواهد و مدارک جمع‌آوری شده زبان‌شناختی، زبان‌شناسان متوجه شدند زبان زنان و مردان دارای اختلافات زیادی است و هر کدام از آن‌ها زبان را به شیوه متفاوتی به کار می‌برند. پیشینه انجام مطالعات زبان و جنسیت به حدود پنج دهه قبل، یعنی سال ۱۹۶۰ بازمی‌گردد. اولین پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شد، تحقیقات لباو^۳ (۱۹۷۲) در آمریکا و ترادگیل^۴ (۱۹۸۰) در انگلستان بود. با ظهور و قدرت‌گیری جنبش فمینیست، به خصوص موج دوم آن، مسئله زبان و جنسیت و نابرابری‌هایی که بین مردان و زنان در این زمینه وجود دارد، مورد توجه زبان‌شناسان فمینیست قرار گرفت. تحقیقات فمینیست‌ها بالاخص رابین لیکاف^۵ (۱۹۷۵) زبان‌شناس مشهور آمریکایی، بسیاری از تفاوت‌های زبانی مردان و زنان را مشخص کرد و نشان داد که رفتار زبانی زنان و مردان تابع کلیشه‌های خاصی است.

از دهه هفتاد هـ.ش به بعد در ایران نیز پژوهش‌هایی صورت گرفت که غالباً به زبان گفتار اختصاص دارد چنانکه عسگری (۱۳۷۵)، نوشین‌فر (۱۳۷۴)، برزگر آق قلعه (۱۳۷۸)، فارسیان (۱۳۷۸)، جان نژاد (۱۳۸۰) و مدرسی (۱۳۸۷) با انجام پایان‌نامه‌هایی زاویه‌هایی از این موضوع را در زبان فارسی بررسی کردند و با استفاده از نظریات اندیشمندان جهان به معیارهایی کلی دست یافتند. پژوهشگران دیگری چون نجم‌آبادی (۱۳۷۷)، علی نژاد (۱۳۸۱) و بهمنی و باقری (۱۳۹۱) نیز در باب جنسیت در زبان مقالاتی نوشتند و به پژوهش‌های زبانی زنانه و مردانه در زبان فارسی غنا بخشیدند.

اگر چه بحث رابطه زبان و جنسیت همه آثار ادبی را در بر می‌گیرد لیکن این موضوع در ادبیات داستانی به ویژه رمان حضور پررنگ‌تری دارد، لذا نویسندگان رمان برای این‌که بتوانند از زبانی متناسب با جنسیت کاراکترهای خود استفاده کنند، لازم است با ویژگی‌های خاص زبان زنانه و مردانه آشنا باشند، تا بتوانند برای کاراکترهای زن از زبانی زنانه و برای کاراکترهای مرد، از زبانی مردانه استفاده کنند.

غزاله علیزاده (? ۱۳۲۵ مشهد، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۵ کلاردشت) (میرعابدینی، ۱۳۸۵: ۲۸/۲) تحصیلات اولیه را در دبیرستان علوم انسانی مهستی مشهد به پایان برد. سپس برای ادامه تحصیل به تهران آمد و در رشته علوم سیاسی لیسانس گرفت و مدت‌ها بعد به پاریس رفت و در دانشگاه سوربن در رشته فلسفه و سینما تحصیل کرد. متأسفانه سید حسن امین تاریخ تولد و وفات او را به اشتباه (۱۳۲۴-۱۳۵۷) نوشته‌اند (امین، ۱۳۸۴: ۱۸۲) و جالب این‌که بر سنگ مزارش زادروزش را بهمن ۱۳۲۷ ثبت کرده‌اند.

³ WLabov

⁴ P. Trudgill

⁵ R. Lakoff

او دوبار ازدواج کرد که هر دو بار به جدایی منجر شد. عمرش دیری نپایید و سرانجام به سبب بیماری سرطان سینه و اضطراب و شرایط اجتماعی و جو محیط و پس از دو مرتبه خودکشی ناموفق، تصمیم گرفت خود را از رنج زندگی آسوده سازد. بنابراین در تاریخ سه شنبه ۱۳۷۵/۲/۱۸ (روز عید غدیر) از مشهد به مقصد رامسر حرکت کرد. در روز جمعه ۱۳۷۵/۲/۲۱ جنازه اش درحالی که از درختی حلق آویز بود، در جواهرده رامسر پیدا کردند و در روز دوشنبه ۱۳۷۵/۲/۲۴ در گورستان هنرمندان در امامزاده طاهر کرج به خاک سپردند (توسلی، ۱۳۸۵: ۸۷).

رمان **شب های تهران** روایت دو گروه اشرافزاده و تازه به دوران رسیده جامعه است که هر دو از رفاه و ثروت برخوردارند. اشرافزاده ها با اصالت و پایبند به اصول اخلاقی و تازه به دوران رسیده ها با پول پرستی و حرص و ... نشان داده شده اند. این رمان در ششصد صفحه، سال های آخر دهه چهل و پنجاه را در تهران نشان می دهد. علیزاده در داستان هایش دنیای انسان های آرمان باخته را به تصویر می کشد، نسلی که با رؤیا زندگی می کنند و در مقابله با واقعیت از توهم درمی آیند.

غزاله در مصاحبه خود با رادیو فرانسه پس از دریافت جایزه بهترین کتاب داستان سال ۱۳۷۳ می گوید: «نویسندگان زن ما هم شاید به این دلیل که جامعه مردسالار، آن ها را وادار به تحقیر می کند، سعی کردند با نیروی مضاعف، پرواز کنند. میله های قفس و زنجیرهای پیرامونشان را بشکنند و خودشان را به عنوان انسان و نه سوژه صنفی، در جامعه تثبیت کنند.» با چنین دیدگاهی اگر در یافته های تحقیق در مقایسه با قواعد زبان شناسان اجتماعی تناقضی دیده شود، نمی توان به حساب ناتوانی نویسنده گذاشت، بلکه باید آن را نوعی عصیان و هنجارگریزی زبانی در برابر تحقیرهای حاصل از مردسالاری جامعه به حساب آورد.

در این مقاله اختلافات زبانی کاراکترهای زن و مرد در رمان شب های تهران، از منظر دستور زبان (واژگان و جملات) بررسی می شود. در هر بخش داده های تحقیق با توجه به نظریات زبان شناسان بویژه لیکاف و نتایج پژوهش هایی که در زبان فارسی و انگلیسی انجام شده است، تجزیه و تحلیل و در نهایت با توجه به میزان مطابقت زبان کاراکترهای رمان با کلیشه های زبان مردانه و زنانه، میزان موفقیت نویسنده در ایجاد زبانی متناسب با جنسیت کاراکترها، ارزیابی می شود.

۲. بحث

۲.۱. اختلافات زبانی زنانه و مردانه کاراکترها در شب های تهران از منظر دستور زبان

۲.۱.۱. واژگان

چنانکه می دانیم «برخی واژه ها و اصطلاحات زنانه اند و برخی مردانه. این یک قانون نیست اما در طول زمان و بر اثر کثرت استعمال بعضی واژگان و اصطلاحات زنانه و برخی مردانه شده اند.» (بهمنی و باقری، ۱۳۹۱: ۴۵) به طوری که «در بسیاری از زبان ها، واژه ها و اصطلاحات معینی وجود دارند که تنها از سوی یکی از دو جنس مورد استفاده قرار

می‌گیرند و جنس دیگر از کاربرد آنها خودداری می‌کند. به عنوان مثال، مردان فارسی زبان صورتهایی مثل «خدا مرگم بده» را زنانه می‌دانند و در مقابل زنان نیز اصطلاحاتی مانند «چاکرم» را مردانه می‌انگارند و از به کار بردن آن‌ها پرهیز می‌نمایند» (مدرسی، ۱۳۸۷: ۱۶۳). برای بررسی واژه‌های خاص مردان و زنان چند متغیر را که معرف جنسیت خاصی هستند، مانند دشواژه‌ها، رنگواژه‌ها، سوگندواژه‌ها، و صفات عاطفی در رمان شب‌های تهران مطالعه کردیم که حاصل آن به شرح زیر می‌باشد:

۲.۱.۱.۱. دشواژه‌ها

در زبان‌شناسی عامیانه مشاهده می‌شود که زبان گویشوران مرد حاوی واژه‌های خشن و زشت است. لیکاف (۱۹۷۵) نیز مدعی است که در زبان انگلیسی، مردان بیش از زنان از اصطلاحات زشت (Damn, Shit) استفاده می‌کنند. او معتقد است زنان از عبارات خشن، بی‌ادبانه و دور از نزاکت استفاده نمی‌کنند، آن‌ها متخصصان استفاده از حسن بیانند (فارسیان، ۱۳۷۸: ۲۷).

لیکاف در کتابش به نام **زبان و جایگاه زن**^۷ (۱۹۷۵) اشاره می‌کند که اگر یک دختر بچه همانند یک پسر، خشن صحبت کند، مسلماً مورد سرزنش و نکوهش قرار خواهد گرفت و جامعه توسط والدین کودک و دوستانش او را در جایگاه خود قرار می‌دهد. این عمل باعث می‌شود در آینده، دختر نتواند خود را در اجتماع، نیرومند و قوی مطرح کند (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۷۵).

جدول شماره ۱-۱: کاربرد دشواژه‌ها

غیررکیک			رکیک		نوع دشواژه
کل	زن	مرد	زن	مرد	جنسیت
					رمان
۷۱	۸	۶۰	۰	۳	شب‌های تهران

^۶Folklin Guistics

^۷ language and women's place

شواهد به دست آمده از رمان نشان می‌دهد ۸۸/۷۳ درصد دشواژه‌ها در مکالمات مردان و ۱۱/۲۷ درصد مابقی آن‌ها در مکالمات زنان به کار رفته است. ۳/۷۷ درصد دشواژه‌های مردانه رکیک و ۹۵/۲۳ درصد آن‌ها غیر رکیک بوده است و زنان هیچ دشواژه رکیکی را به کار نبرده‌اند.

شخصیت‌های این رمان تحصیل کرده و دارای طبقه اجتماعی بالایی هستند، بنابراین در مکالمات بسیار مؤدبانه رفتار می‌کنند. کاراکترهای زن از گفتاری کاملاً مؤدبانه و باپرستیژ اجتماعی بالا برخوردارند، لذا به هیچ وجه از دشواژه‌ها رکیک استفاده نکرده‌اند و دشواژه‌های غیر رکیک را هم خیلی کم به کار برده‌اند. کاراکترهای مرد نیز خیلی کم از دشواژه‌های رکیک استفاده کرده‌اند ولی بر عکس فراوانی استفاده از دشواژه‌های غیر رکیک در مکالمات آن‌ها زیاد است، علت این امر رقابتگر بودن مکالمات مردان و وجود بحث و جدل‌های فراوان بین آن‌هاست.

مقایسه فراوانی کاربرد دشواژه‌ها در مکالمات کاراکترهای رمان نشان می‌دهد، مطابق با یافته‌ها و نظریات زبان‌شناسی میزان استفاده مردان از دشواژه‌ها بیشتر از زنان بوده است، همچنین دشواژه‌های رکیک فقط در مکالمات مردانه استفاده شده است. بر این اساس زبان رمان از نظر کاربرد دشواژه‌ها موفق ارزیابی می‌شود.

نمونه‌هایی از دشواژه‌های مکالمات:

غیر رکیک:

[پسر] - باز سر خر آوردی؟ (علیزاده، ۱۳۸۴: ۱۹)

[جوان عینکی] - تو حرف مفت می‌زنی، عامی و ساده‌لوحی ... (همان: ۲۲)

[جوان مو بور] - تو از آن چیزی نمی‌فهمی، شعورش را نداری. (همان: ۲۲)

[شیرزاد] - خفه شو مگر روس‌ها آدم‌اند. (همان: ۲۵)

[فرخ] - بیکار و مفت‌خور نیستند که شر و ور بیافند؟ (همان: ۲۷)

[شیرزاد] - این‌ها یک مشت حیوانند، چه زحمتی کشیدم ... (همان: ۳۱)

[حاجی سیف‌الله] - سگ پدر خودش را به دست و پا می‌مالد، نجسمان می‌کند. (همان: ۳۶۴)

[صاحب مسافرخانه] - ... حیف گردی بود، پدرش بسوزد،... (همان: ۴۵۴)

رکیک:

[مرد] - وقتی من مردم شما هم بیایید یک شکم سیر سر قبرم برینید. (هما: ۲۱)

[شیرزاد] - چرا نمی‌دهید این پلکان تخم حرام را تعمیر کنند؟ (همان: ۴۷۱)

۲.۱.۱.۲. رنگواژه‌ها

لیکاف (۱۹۷۳) ادعا می‌کند که رنگ‌واژه‌هایی مانند، قهوه‌ای روشن^۱، بنفش کمرنگ^۲ و صفاتی مانند قابل ستایش و فریبنده را عموماً زنان و به ندرت مردان به کار می‌برند. همچنین گفته شده است که زنان برای تأثیر قطعی و بیشتر سخن خود بر روی واژه‌ها تأکید می‌کنند، واژه‌هایی مانند: خیلی خوب، دوست داشتنی و... . (غفارثرمر، علی‌بخشی، ۲۰۰۷: ۶۰)

بسیاری از پژوهش‌هایی که در عرصه نوشتار انجام شده است، نشان می‌دهد در متون زن‌نگاشته جملات عمدتاً ساده و با حروف ربط به هم اتصال داده می‌شوند و از نظر توصیف جزئیات بسیار دقیق‌تر از متون مردنگاشته است. در این پژوهش رنگواژه‌ها در دو مرحله مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد، ابتدا رنگواژه‌های به کار برده شده توسط کاراکترهای رمان بررسی می‌شود که انتظار می‌رود تعدد و تنوع رنگواژه‌هایی که در مکالمات کاراکترهای زن به کار رفته، بیشتر از کاراکترهای مرد باشد. در مرحله دوم تمام رنگواژه‌هایی که در متن رمان آمده است، تجزیه و تحلیل می‌شود. پیش‌فرض ما این است که رنگواژه‌های متون زن‌نگاشته تعدد و تنوع بیشتری داشته باشند.

جدول شماره ۱-۲/۱: رنگواژه‌های به کار رفته در مکالمات کاراکترها

رمان	به کار برده شده توسط مردان	به کار برده شده توسط زنان	کل
شب های تهران	۲۸	۱۳	۴۱

^۱beige

^۲lavender

جدول شماره ۱-۲/۲: رنگواژه‌ها به کار رفته در متن رمان

شب‌های تهران	رنگواژه‌ها	شب‌های تهران	رنگواژه‌ها
۳	نیلی	۶۷	سفید
۴	میشی	۵	اخراپی
۱۴	بنفش	۸۰	دودی، سیاه
۳	شیری	۵۱	زرد، زرین، طلایی
۳	ارغوانی	۷۱	قرمز، سرخ
۱	خرمایی	۶۲	سبز
۰	زرشکی	۴	سورمه‌ای
۰	خاکی	۴	قهوه‌ای
۱	سدی	۲۲	صورتی
۱	زیتونی	۴۴	آبی
۱	فیروزه‌ای	۱۰	بور
۲	کهربایی	۲۰	خاکستری، کبود
۱	بیدمشکی	۳	نارنجی
۹	سایر	۴	جوگندمی
۴۹۶	کل	۶	نقره‌ای

در این رمان فراوانی رنگواژه‌هایی که کاراکترهای مرد به کار برده‌اند ۶۸/۲۹ درصد و رنگواژه‌هایی که کاراکترهای زن به کار برده‌اند ۳۱/۶۱ درصد است. مقایسه شواهد با نظریات زبان‌شناسان نشان می‌دهد که برخلاف کلیشه‌های معمول، تعداد رنگواژه‌های زبان مردانه بیشتر است. بر این اساس کاربرد رنگواژه‌ها که از اختصاصات زبان زنانه محسوب می‌شود به درستی در این رمان به کار نرفته است و از این حیث زبان رمان با کلیشه‌های زبان‌شناسی مطابقت ندارد و زبان کاراکترهای زن ویژگی دقت و جزئی‌نگری را که بارزترین نمود آن کاربرد رنگواژه‌های دقیق است، ندارد. لیکن تنوع و تعدد رنگواژه‌هایی که روای و نویسندگان به‌عنوان یک زن به کار برده، بسیار زیاد است. این امر تا حدودی ضعف زبانی کاراکترها را جبران می‌کند.

در متن این رمان ۴۹۶ رنگواژه به کار رفته است. این رنگواژه‌ها از حیث تنوع بسیار گسترده و مواردی مانند: سفید، سیاه، سبز، نارنجی، ارغوانی، کهربایی و ... را شامل می‌شود. در این رمان رنگواژه‌های قرمز/ سرخ با ۷۱ بار تکرار، سفید با ۶۷ بار تکرار، دودی/ سیاه با ۸۰ بار تکرار، سبز با ۶۲ بار تکرار و آبی با ۴۴ بار تکرار بیشترین بسامد را دارند.

نمونه‌هایی از رنگواژه‌های به کار رفته در مکالمات کاراکترها

[مادر بزرگ] - موافقی دختر زردپوش را همراهان ببریم. (علیزاده، ۱۳۸۴: ۸)

[شیرزاد] - شنیده‌ام مترویی در شهر مسکو هست که مترو نیویورک را پول سیاه می‌کند. (همان: ۲۷)

[شیرزاد] - چشمانش ولی سبز بوده. (همان: ۳۳)

[شیرزاد] - آ‌ی عشق چهره‌ی آ‌بیت پیدا نیست ... آ‌ی عشق چهره‌ی سرخت پیدا نیست. (همان: ۳۹)

[فرخ] - چشمانش سبز است به مادرش رفته. (همان: ۴۰)

[اردوان] - شکل بال شبپره، ردای سرخ می‌پوشید ... (همان: ۱۹۸)

[خانم حکمت] - از سرشب می‌گفتم شبیه چی هستی، یک مرتبه فهمیدم، رز صورتی، فکر نمی‌کنید؟ (همان: ۲۱۲)

[بهبزاد] - ... رنگ من بنفش و آبی است، ... (همان: ۵۱۴)

نمونه‌هایی از رنگواژه‌های به کار رفته در متن رمان

بنای مهمان‌خانه با نمای سفید و شیروانی سفال اُخرایی که سایه‌روشن چون فلس ماهی داشت. (همان: ۵)

بانوی سالخورده پتوی نازکی را با خانه‌های دودی و زرد بر زنوان لاغر گسترده بود و ... (همان: ۵)

... سینی پر از غذا بود، یک کاسه ماست پرچربی شکری‌رنگ، ... (همان: ۳۶۷)

از سایه دیواری غرق خوشه‌های یاس بنفش رد شدند ... (همان: ۵۱۴)

... گوشه‌ اتاق گذاشت گل‌ها رز صورتی بود، ... پیراهن صورتی با کت و شلوار خاکستری پوشیده بود، آویزه‌های

نقره‌یی دگمه سر دست ... (همان: ۵۳۰)

۲،۱،۱،۳. سوگندواژه‌ها

سوگندواژه‌ها، واژه‌ها و عباراتی هستند که گوینده آن‌ها را برای تأکید بیشه‌تر، هنگامی که احتمال می‌دهد شنونده با دیده شک و تردید به سخنش می‌نگرد، به کار می‌برد. البته گاه می‌تواند عارضه حاصل از رواج دروغ در جامعه نیز باشد. سوگندواژه‌ها شامل مسائل دینی مانند: به خدا، به حضرت عباس قسم، و الله و ... و هم چیزهای با ارزش زندگی مانند: به جون خودم، به جون بچه‌هام، به جون مادرم و ... می‌باشد.

ظاهراً این‌گونه به نظر می‌رسد که زنان به دلیل ضعیف بودن موقعیت اجتماعی خود برای اثبات سخن‌شان به طبقه فرادست باید از سوگندواژه‌ها بیشتر استفاده کنند اما پژوهش‌هایی که در مورد تفاوت‌های مردان و زنان در خصوص

به کارگیری سوگند واژه‌ها در زبان انگلیسی انجام شده است (گوم - ۱۹۸۱) بیانگر این است که مردان بیش از زنان قسم می‌خورند. این تحقیقات هم‌چنین نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱-۳: کاربرد سوگندواژه‌ها

کل	سوگندواژه‌های زنانه	سوگندواژه‌های مردانه	رمان
۷	۴	۳	شب‌های تهران

با توجه به این که شخصیت‌های این رمان افرادی روشنفکر، متجدد و از طبقات بالای اجتماعی هستند؛ بهزاد، شخصیت اول داستان، پس از تولد به همراه پدر و مادرش به آمریکا سفر کرده و پس از طی تحصیلاتش در رشته نقاشی به ایران بازگشته؛ خانم نجم یا همان مادر بزرگ بهزاد، از مالکان بزرگ شمال؛ آسیه، نسترن و سایر شخصیت‌ها افرادی تحصیل کرده و کمتر به عقاید دینی و مذهبی پای‌بند هستند انتظار می‌رود کمتر از سوگند استفاده کنند. از طرف دیگر به خاطر عقاید خاص کاراکترها بیشتر سوگندواژه‌ها درباره مسائل با ارزش زندگی است مانند: به جون خودم، به جون مامانم و ... و اگر در جایی سوگندواژه‌هایی مربوط به مسائل مذهبی و مقدسات دینی آمده است از زبان شخصیت‌های فرعی رمان که متعلق به طبقات اجتماعی پایینی هستند، نقل شده است.

بررسی سوگندواژه‌های این رمان نشان می‌دهد: زنان با ۴ سوگندواژه نسبت به مردان با ۳ سوگندواژه، بیشتر قسم خورده‌اند. شواهد این رمان در مورد کاربرد سوگندواژه‌ها معنادار نیست و با توجه به این که شخصیت‌های اصلی خیلی کم به عقاید دینی و مذهبی پای‌بند هستند و اکثر سوگندواژه‌ها از زبان شخصیت‌های فرعی مانند صاحب مسافرخانه و ... نقل شده‌اند، نمی‌توان گفت زبان رمان از این نظر ضعف و کاستی دارد.

نمونه‌هایی از سوگندواژه‌ها

[نسترن]- **والله** گرفتار بودم. (علیزاده، ۱۳۸۴: ۲۹۳)

[نسترن]- **به جان مادرم**. (همان: ۴۴۹)

[صاحب مسافرخانه]- **تو را به جان جدتان** رحم داشته باشید. (همان: ۴۵۵)

[زن]- **شش تا، خدا شاهد است**. (همان: ۴۵۶)

[مدیر مسافرخانه]- **به جد اطهرم** نمی‌شود، ... (همان: ۴۶۷)

[مدیر مسافرخانه]- **والله** پولش نیست، ... (همان: ۴۷۱)

۲.۱.۱.۴. صفات عاطفی

یسپرسن در توصیف شیوه سخن زنان، بر این عقیده است که زنان از قیدها یا صفات دارای بار احساسی بیشتر، استفاده می‌کنند. (فارسیان، ۱۳۷۸: ۱۹) او معتقد است که زنان در استفاده افراطی از بعضی صفات مثل زیبا و خوب^۱ با مردان متفاوتند. (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۲۵) لیکاف نیز اظهار می‌دارد که بعضی از صفات مثل: شیرین، شایان و ملیح^۲ را فقط خانم‌ها به کار می‌برند. (نعمتی، بایر، ۲۰۰۷: ۱۸۸)

در این پژوهش کاربرد صفات عاطفی مانند: خوشگل، زیبا، قشنگ، ملیح و ... در مکالمات مردان و زنان مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفته است. پیش‌فرض ما این است که از آن‌جایی که زنان در مکالمات‌شان کمتر رقابت‌گرا هستند و برخلاف مردان که بیشتر در پی کشف نوعی حقیقت هستند، تنها به توصیف پدیده‌ها قناعت کرده و از آن‌ها فراتر نمی‌گذارند، کاربرد این گونه صفات در مکالمات‌شان بیشتر باشد. همچنین قیده‌های تخمینی مانند: احتمالاً، شاید، حدوداً و ... چون با تعدیل‌کننده‌ها بیشتر ارتباط دارند، آن‌ها را در ذیل آن بررسی خواهیم کرد.

در زبان فارسی پژوهشی که میزان کاربرد صفات عاطفی را در بین گویشوران بررسی کرده باشد، وجود ندارد. اما پژوهش خسرونژاد (۲۰۰۷) که اختلافات زبانی زنان و مردان را در متون نوشتاری بررسی کرده است، نشان می‌دهد کاربرد صفات سنجشی در متون زن‌نگاشته با ۶۷ صفت نسبت به متون مردنگاشته با ۶۲ صفت بیشتر است.

جدول شماره ۱-۴: کاربرد صفات

شب‌های تهران			رمان
کل	زن	مرد	جنسیت
۴۶	۱۲	۳۴	صفات عاطفی

چنان‌که گفته شد چون شخصیت‌های این داستان از طبقات بالای اجتماعی و تقریباً همگی دارای تحصیلات عالی هستند، زبان آن‌ها بیشتر رنگ عاطفی و احساسی دارد و کاربرد صفات عاطفی در زبان کاراکترها نسبتاً زیاد است. کاربرد صفات عاطفی در زبان کاراکترهای این رمان نشان می‌دهد که ۷۳/۹۱ درصد این صفات در مکالمات مردان و ۲۶/۰۹ درصد آن در مکالمات زنان به کار رفته است. مردان بیشتر از صفات عاطفی استفاده کرده‌اند که با نظریات لیکاف، یسپرسن و پینتون که کاربرد صفات عاطفی را مختص زبان زنانه می‌دانند، همخوانی ندارد. براین اساس می‌توان

^۱Pretty

^۲Nice

^۳Sweet, adorable, charming

نتیجه گرفت، نویسنده نتوانسته است صفات عاطفی را در زبان کاراکترهای رمان به درستی به کار ببرد لذا زبان داستان از این لحاظ ضعیف ارزیابی می شود.

نمونه‌هایی از صفات عاطفی:

[بهزاد]- سواحل اینجا قشنگ تر است. (علیزاده، ۱۳۸۴: ۱۵)

[مرد]- می گفتند خوشگل بود... (همان: ۲۰)

[شیرزاد]- به آن جوان علاقه داشت، جوان خوشگلی بود. (همان: ۲۵)

[داود]- ... جای قشنگی است. (همان: ۳۱)

[فرخ]- چه خانه‌های قشنگی، چه بچه‌های نو نوار و تمیزی. (همان: ۳۲)

[داود]- مادر من دختر خوشگلی بود ... (همان: ۴۱)

[انسترن]- ولی پسر خیلی خوشگل بود. (همان: ۲۱۹)

[خانم حکمت]- عالی و خوب، خوشگلک فراری ... (همان: ۲۹۳)

[خانم حکمت]- ... چقدر تو ساده‌یی ملوسکم ... (همان: ۲۹۹)

[بهزاد]- ... تو نازترین مادر بزرگ‌ها می توانی باشی. (همان: ۴۴۱)

[انسترن]- طفلی چه ناز است، ... (همان: ۴۷۳)

۲.۱.۱.۵. تشدیدکننده‌ها

تشدیدکننده‌ها عباراتی مانند فقط، حتماً، واقعاً، خیلی، حقیقتاً و ... هستند که شدت و تأکید را به گفتار اضافه می کنند. زبان‌شناسان تشدیدکننده‌ها را از گونه‌های ضعیف زبانی و از مشخصه‌های زبان زنانه می دانند. آن‌ها معتقدند از آن جایی که زنان از دسترسی به قدرت در اجتماع محروم شده‌اند، برای به دست آوردن جایگاه اجتماعی خود به کاربرد تشدیدگرها گرایش بیشتری دارند. جایگاه پایین زنان و ممانعت از ورود آن‌ها به عرصه‌های اجتماعی، باعث عدم اعتماد به نفس و ایجاد تردید در آن‌ها می شود، لذا چون دچار تردید هستند، احساس می کنند باید گفته‌هایشان را با شدت بیشتری بیان کنند تا از طرف شنونده پذیرفته شود.

در زبان فارسی پژوهشی که به بررسی تشدیدکننده‌ها در مکالمات گویشوران مرد و زن پرداخته باشد، انجام نشده است. پژوهش خسرونژاد (۲۰۰۷) که بر روی متون نوشتاری انجام گرفته است، نتایج زیر را در بر داشته است: در داستان‌های کوتاه مردنگاشته، فراوانی استفاده از تشدیدگرها در بین کاراکترهای مرد بیشتر از زنان و در داستان‌های زن‌نگاشته استفاده از تشدیدگرها در بین کاراکترهای زن بیشتر از کاراکترهای مرد بوده است. (خسرونژاد، ۲۰۰۷:

جدول شماره ۱-۶: کاربرد تشدیدکننده‌ها

کل	تشدیدکننده‌های زنانه	تشدیدکننده‌های مردانه	رمان
۱۲۴	۴۴	۸۰	شب‌های تهران

شخصیت‌های این رمان اگرچه از نظر اجتماعی در جایگاه بالایی قرار دارند ولی به علت این که مردان بسیار رقابت‌گرا و در مکالمات در پی برتری‌طلبی بر طرف مقابل صحبت‌شان هستند و می‌خواهند او را وادار به پذیرفتن عقیده و نظر خود نمایند، بیشتر از تشدیدگرها که شدت و اثر کلام را افزایش می‌دهند، استفاده کرده‌اند.

کاربرد تشدیدگرها در این رمان نشان می‌دهد، مردان با ۶۴/۵۱ درصد نسبت به زنان با ۳۵/۴۹ درصد، بیشتر از تشدیدگرها استفاده کرده‌اند. سنجش شواهد به دست آمده از این رمان براساس تئوری‌های زبان‌شناسان که تأییدکننده استفاده بیشتر زنان از تشدیدکننده‌ها است، نشان می‌دهد، تشدیدکننده‌ها براساس جنسیت کاراکترها به درستی به کار نرفته است.

نمونه‌هایی از تشدیدکننده‌ها:

[بهزاد]- جِداً که جذاب است. (علیزاده، ۱۳۸۴: ۷)

[بهزاد]- قصد شما حتماً ترساندن من نیست. (همان: ۷)

[مادربزرگ]- اگر زنش نفهمد، جِداً دلواپسم ... (همان: ۱۱)

[فرزین]- واقعاً عالی نیست؟ (همان: ۱۶)

[مرد]- از ... شعرهای قدیمی هیچ، اصلاً خوشم نمی‌آید، ... (همان: ۲۱)

[شیرزاد]- فقط دو چیز می‌خوانم. بودا و هایدیگر. ولی همیشه فکر میان این دو حالت در نوسان است. (همان: ۲۹)

[داود]- حقیقتاً ندارد، اما ... (همان: ۳۵)

۲.۱.۲. سطح جملات

فرض بر این است که نوع جملات زنان و مردان هم کم و بیش با هم متفاوت است. عده‌ای دلیل اصلی این تفاوت‌ها را موقعیت و نقش اجتماعی آن‌ها در جامعه می‌دانند. اگر چه پژوهش‌های خارجی و داخلی نیز این فرضیه را تأیید می‌کند، لیکن برای دستیابی به این موضوع سه متغییر را که بیانگر بیشترین اختلاف زبانی زنان و مردان در سطح جملات است، شامل پرسش‌های ضمیمه‌ای، تعدیل‌کننده‌ها و تصدیق‌گرها بررسی نمودیم.

۲.۱.۲.۱. پرسش‌های ضمیمه‌ای

پرسش‌های ضمیمه‌ای عباراتی کوتاه در پایان جمله خبری هستند که آن را سؤالی می‌کند. یک مثال می‌تواند این باشد؛ بازی فوق العاده‌ای است، این طور نیست؟ (ترادگیل، ۱۳۷۶: ۱۵۸) لیکاف معتقد است که زنان نسبت به مردان

خیلی بیشتر از پرسش‌های ضمیمه‌ای استفاده می‌کنند. او معتقد است که پرسش‌های ضمیمه‌ای، قدرت اظهار قطعی را کاهش می‌دهد و نشانگر دودلی و ناامنی و عدم قطعیت گوینده است. (نعمتی، بایر، ۲۰۰۷: ۱۹۸-۱۹۹)

به نظر می‌رسد جمله سؤالی نسبت به جمله خبری قدرتمندتر است زیرا جمله خبری می‌تواند نادیده گرفته شود و پاسخی در قبال آن به گوینده داده نشود اما جمله سؤالی مخاطب را ملزم به پاسخ و غالباً وادار به همراهی می‌کند. برخی از محققان هم هدف پرسش‌های ضمیمه‌ای را تقویت ارتباط دانسته‌اند، زیرا جمله خبری می‌تواند به قطع ارتباط بینجامد اما پرسش‌های ضمیمه‌ای مخاطب را ترغیب می‌کند که عقیده‌ای را بیان کند.

کامرون (۱۹۸۸) کاربرد سؤالات ضمیمه‌ای مفید توسط زنان را نشانه‌ای از کنترل مکالمه تفسیر می‌کند تا نشانه انقیاد و تابع بودن، برخلاف تفسیرهای قبلی که لیکاف انجام داده بود. (آراگامون، کوپل، فاین و شیمونی، ۲۰۰۳: ۲۲۲)

در زبان فارسی نتایج پژوهش خسرونژاد (۲۰۰۷) در متون نوشتاری نشان می‌دهد: در داستان‌های کوتاه زن‌نگاشته فارسی میزان استفاده از پرسش‌های ضمیمه‌ای به وسیله کاراکترهای زن بیشتر از کاراکترهای مرد است و در داستان‌های کوتاه مردنویسته فارسی، میزان استفاده کاراکترهای مرد از این نوع پرسش‌ها بیشتر از کاراکترهای زن است. (خسرونژاد، ۲۰۰۷: ۷۴)

جدول شماره ۲-۱: کاربرد پرسش‌های ضمیمه‌ای

کل	پرسش‌های ضمیمه‌ای زنانه	پرسش‌های ضمیمه‌ای مردانه	رمان
۱۰	۳	۷	شبهای تهران

شواهد به دست آمده از این رمان نشان می‌دهد: فراوانی استفاده از پرسش‌های ضمیمه‌ای در مکالمات مردان با ۷ پرسش نسبت به مکالمات زنان با ۳ پرسش بیشتر است.

اگر نظر لیکاف را در مورد کاربرد بیشتر پرسش‌های ضمیمه‌ای به وسیله زنان بپذیریم و آن را نشانه تردید و عدم قطعیت زنان بدانیم، کاربرد پرسش‌های ضمیمه‌ای در این رمان با نظر محققان همخوانی ندارد.

نمونه‌هایی از پرسش‌های ضمیمه‌ای این رمان:

[بهزاد]- از ابوالعلا شنیده‌ام، معمار است، نه؟ (علیزاده، ۱۳۸۴: ۲۰۷)

[بهزاد]- یه کم می‌ارزد، نه؟ (همان: ۲۱۰)

[خانم حکمت]- از سرشب می‌گفتم شبیه چی هستی، یک مرتبه فهمیدم، شکل رز صورتی، فکر نمی‌کنید؟ (همان: ۲۱۲)

[ارامبد مهران]- انتظار سخت است، نه؟ (همان: ۳۰۰)

[نسترن]- می‌دانی او چکاره است، نه؟ (همان: ۳۰۶)

[صاحب مسافرخانه]- گفتم که معتاد و خرابکار راه نمی‌دهیم، راه می‌دهیم؟ (همان: ۴۵۵)

۲،۱،۲،۲. تعدیل‌کننده‌ها

تعدیل‌کننده‌ها، صورت‌های زبانی هستند که عدم اطمینان گوینده را بیان می‌کنند. برای مثال عباراتی مانند: فکر می‌کنم، به نظرم، گمان می‌کنم، همان‌طور که می‌دانید، ممکن است، شاید، احتمالاً و ... نمونه‌ای از تعدیل‌کننده‌ها محسوب می‌شوند.

لیکاف (۱۹۷۵) علت استفاده بیشتر زنان از تعدیل‌کننده‌ها را عدم قطعیت و اطمینان آن‌ها می‌داند. او سه عملکرد را برای تعدیل‌کننده‌ها شناسایی کرده‌است: (۱) عدم اطمینان گوینده را نشان می‌دهد. (۲) در حالت‌های مؤدبانه به کار برده می‌شود. (۳) از مشخصه‌های زبان زنانه است، کسانی که از قدرت در جامعه برکنار هستند (نعمتی، بایر، ۲۰۰۷: ۱۹۰).

در زبان فارسی پژوهشی در مورد کاربرد تعدیل‌کننده‌ها در بین گویشوران زن و مرد انجام نشده است. پژوهش خسرونژاد (۲۰۰۷) که بر روی متون نوشتاری فارسی و انگلیسی انجام شده نشان می‌دهد: در متون مردنوشته، فراوانی استفاده از تعدیل‌کننده‌ها در بین کاراکترهای مرد بیشتر از کاراکترهای زن است و در متون زن‌نوشته فراوانی استفاده از تعدیل‌کننده‌ها در بین کاراکترهای زن بسیار بیشتر از کاراکترهای مرد است.

جدول شماره ۲-۲: کاربرد تعدیل‌کننده‌ها

کل	تعدیل‌کننده‌های		رمان
	زنانه	مردانه	
۵۳	۱۷	۳۶	شب‌های تهران

همان‌طور که گفته شد، زبان‌شناسان تعدیل‌گرها را از کلیشه‌های زبان زنانه می‌دانند. با توجه به شواهد این رمان که بیانگر مؤدبانه بودن مکالمات زنان است، انتظار می‌رود میزان کاربرد تعدیل‌گرها در مکالمات زنان بیشتر باشد. اما مقایسه تعدیل‌کننده‌ها در این رمان نشان می‌دهد ۶۷/۹۲ درصد آن‌ها در مکالمات مردان و ۳۲/۰۸ درصد دیگر در مکالمات زنان به کار رفته است. بر این اساس میزان استفاده کاراکترهای مرد از تعدیل‌کننده‌ها بیشتر از کاراکترهای زن بوده است که با نظریات لیکاف مبنی بر کاربرد بیشتر تعدیل‌گرها به وسیله زنان مطابقت ندارد و بیانگر عدم موفقیت نویسنده در ایجاد زبانی متناسب با جنسیت کاراکترها است و یا این‌که با توجه به شرایط روحی و زندگی شخصی نویسنده، تعمدی در کار بوده است.

نمونه‌هایی از تعدیل‌کننده‌ها در مکالمات کاراکترها:

[مادر بزرگ]- این خانم آشوری به کار تو می‌خورد، فکر کنم بالای پنجاه دارد. (علیزاده، ۱۳۸۴: ۸)

[مادربزرگ]- هر چند که صحبت با زنی کسل کننده و پیر **فکر نمی کنم** برای تو خیلی هم جالب باشد. (همان: ۹)

[مرد]- برای من **می دانی**، رفقا **می دانند**، هیچ چیز دیگری جز هنر مطرح نیست. (همان: ۲۰)

[مرد]- **فکر می کنم** بد نیست. (همان: ۲۱)

[داود]- قلب چنین دشمنی **فکر می کنم** از سنگ است. (همان: ۳۵)

۲،۱،۲،۳. تصدیق‌گرها

مطالعات انجام شده در زبان انگلیسی (کریستال و دیوی، ۱۹۷۵^۳) نشان می‌دهد که در جامعه زبانی انگلیسی، زنان بیشتر از مردان از تصدیق‌گرها استفاده می‌کنند، زیرا آن‌ها مشارکت فعال تری در مکالمات دارند و برای تداوم گفتگو بیشتر تلاش می‌کنند. تصدیق‌گرها (یا پاسخ‌های کوتاه) به عباراتی گفته می‌شود که نشان‌دهنده توجه مثبت شنونده نسبت به گوینده است. شنونده در مکالمه نقش فعالی را بازی می‌کند و استفاده از تصدیق‌گرهایی مثل «آها، بله، درسته، آره، اِ، خب، و ...» همانند مختصه‌های فرازبانی از قبیل لبخند زدن یا سرتکان دادن، نشانگر دقت و توجه فعال می‌باشد. (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۱۰)

تصدیق‌گرها هرچند معمولاً به صورت کلماتی مانند آهان، بله، خب، درسته مطرح می‌شوند ولی چون این عبارات معنی جمله می‌دهند و معنی «کلام شما درست است» از آن برداشت می‌شود، آن‌ها را در حوزه جملات قرار داده‌ایم. پژوهش‌های زبان فارسی نیز این فرضیه را تأیید می‌کنند، چنان‌که طبق یافته‌های جان‌نژاد زنان در ۷۰/۴ و مردان در ۲۹/۶ درصد موارد از تصدیق‌گرها استفاده می‌کنند. (جان‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۱۱)

جدول شماره ۲-۳: کاربرد تصدیق‌گرها

کل	تصدیق‌گرهای زنانه	تصدیق‌گرهای مردانه	رمان‌ها
۳۲	۱۶	۱۶	شب‌های تهران

بررسی تصدیق‌گرها در این رمان نشان می‌دهد شواهد به دست آمده معنادار نیست و تصدیق‌گرها به نسبت مساوی ۵۰ درصدی در مکالمات کاراکترها به کار رفته است، لذا می‌توان گفت نویسنده نتوانسته یا به عمد نخواست است به درستی تصدیق‌گرها را در زبان کاراکترهای داستان به کار ببرد.

نمونه‌هایی از کاربرد تصدیق‌گرها در مکالمات:

[بهزاد]- اصلاً مناسب من نیست، خیلی جوان است.

[مادربزرگ]- می‌فهمم تو پیر شده‌ای ... (علیزاده، ۱۳۸۴: ۸)

[مادربزرگ]- معلوم می‌شود پسر هم همینطوره.

بهزاد با سر تصدیق کرد. (همان: ۸)

[پیرمرد]- خیر اهل تهران‌اند، جوانی است دیگر.

[مادربزرگ]- جوانی چیز خوبی است، حیف ما لطفش را دیگر نمی‌فهمیم. (همان: ۱۱)

[سرهنگ کیایی]- همیشه حرف من با خانم این است.

زن تصدیق کرد.

[همسر سرهنگ]- البته، حاضر نیستم از وطنم دور شوم ... (همان: ۱۲)

۳. نتیجه گیری

در این پژوهش زبان کاراکترهای رمان شب‌های تهران نوشته‌ی غزاله علیزاده، براساس نظریات زبان‌شناسان اجتماعی از منظر دستور زبان در دو سطح واژگان و جملات مقایسه شده است. هدف اصلی ارزیابی موفقیت نویسنده در ایجاد زبانی متناسب با جنسیت کاراکترها و تأثیر جنسیت نویسنده در زبان داستان بوده است.

حاصل پژوهش نشان می‌دهد مطابق نظریات زبان‌شناسی کاربرد دشواژه‌ها بالاخص دشواژه‌های رکیک در زبان کاراکترهای مرد فراوانی بیشتری دارد و از این لحاظ نویسنده توانسته است زبانی متناسب با جنسیت کاراکترها ایجاد کند.

مقایسه شواهد به دست آمده از متن رمان در مورد کاربرد رنگواژه‌ها، صفات عاطفی، تشدیدکننده‌ها، پرسش‌های ضمیمه‌ای و تعدیل‌گرها- که از اختصاصات و کلیشه‌های زبان زنانه محسوب می‌شود- با تئوری‌های زبان‌شناسان، مشخص می‌کند کاربرد اغلب آن‌ها مطابق با کلیشه‌های زبان‌شاختی نیست و نویسنده زبانی متناسب با جنسیت و کلیشه‌های زبانی کاراکترها، ایجاد نکرده است. باید بپذیریم این‌گونه هنجارگریزی‌ها با توجه به زندگی فردی نویسنده و شرایط روحی او گاهی اوقات عمدی بوده است و گویا فریاد خاموشی است که علیه هنجارهای مردسالارانه جامعه از زبان یک نویسنده زن برآمده است.

کاربرد سوگندواژه‌ها با توجه به این که شخصیت‌های اصلی رمان کمتر به عقاید دینی و مذهبی پایبند هستند و بیشتر سوگندواژه‌ها از زبان شخصیت‌های فرعی مانند صاحب مسافرخانه، باغبان و ... نقل شده‌اند، معنادار نیست و نمی‌توان از این لحاظ زبان رمان را ضعیف و دارای نقص قلمداد کرد. بررسی تصدیق‌گرها نیز نشان می‌دهد شواهد به دست آمده از متن رمان معنادار نیست. یافته‌ها نشان می‌دهد بین کاراکترهای مرد و زن در استفاده از تصدیق‌گرها اختلافی وجود ندارد لذا می‌توان گفت نویسنده نتوانسته یا به عمد نخواسته است تصدیق‌کننده‌ها را در زبان کاراکترهای داستان به درستی به کار ببرد.

منابع

- امین، سیدحسین (۱۳۸۴). *ادبیات معاصر ایران*. تهران: دایره‌المعارف ایران‌شناسی.
- بهمنی مطلق، یدالله و باقری، نرگس (۱۳۹۱). *مقایسه زبان زنان در آثار سیمین دانشور و جلال آل احمد*. فصلنامه زن و فرهنگ، سال سوم، شماره یازدهم، صص ۴۳-۵۹.
- ترادگیل، پیتر (۱۳۷۶). *زبان شناسی اجتماعی، درآمدی بر زبان و جامعه*. دکتر محمد طباطبایی (مترجم). تهران: آگه.
- توسلی، ناهید (۱۳۸۵). *اختناپوس، به مناسبت سومین سالمرگ غزاله علیزاده*. نشریه‌ی آدینه، ۱۳۸، صص ۸۶-۸۷.
- جان‌نژاد، محسن (۱۳۸۰). *زبان و جنسیت: پژوهشی زبان‌شناختی اجتماعی تفاوت‌های زبانی میان گویشوران مرد و زن ایرانی در تعامل مکالمه‌ای*. پایان‌نامه‌ی دکترا، دانشگاه تهران.
- علیزاده، غزاله (۱۳۸۴). *شب‌های تهران*. چاپ چهارم، تهران: توس.
- فارسیان، محمدرضا (۱۳۷۸). *جنسیت در واژگان*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی، دانشگاه تهران.
- مدرسی، یحیی (۱۳۸۷). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، چاپ اول.
- میرعابدینی، حسن (۱۳۸۵). *هشتاد سال داستان کوتاه ایرانی*، ج ۲، تهران، انتشارات کتاب خورشید، چاپ اول.
- Aragon, Shlomo & Koppel & Moshe, Fine, Jonatahan & Shimoi, Anat Rachel (2003). *Gender, genre, and writing style in formal written texts*. Interdisciplinary Journal for the Study of Discourse. Volume 23, Issue 3, pp. 321-346.
- Khosronejad, Abdollah (2007). *The Role of Gender on Content Analysis of English and Persian Short Stories*. Trbiat Moallem University.
- Nemati, Azadeh and Bayer, M. Jennifer (2007). *Gender differences in the use of linguistic forms in the speech of men and women-A comparative study of Persian and English*. Glossa (ISSN 1931-7778), (3)1, pp. 185-201.
- Reza Ghafar Samar & Goodarz Alibakhshi (2007). *The Gender Linked Differences in the Use of Linguistic Strategies in Face-to-face Communication*. Linguistics Journal, Volume 3, Issue 3, pp. 59-71.